

## گزارش

**نگاهی به برخی جوایز رقابتی عرصه کتاب**

کروه فرهنگی / برپایی جوایز مختلف حوزه کتاب و ادبیات را می‌توان فرصت خوبی برای معرفی کتاب‌های خواندنی به علاقه‌مندان دانست؛ جوایزی که از جمله‌شان می‌توان به «جلال آل احمد»، «ابوالحسن نجفی» و کتاب سال «شهید غنی پور» اشاره کرد. البته رویدادهای رقابتی عرصه مذکور تنها به این سه مورد محدود نمی‌شوند اما موارد یادشده در برپایی شان تداوم وجود داشته و شاید از این بابت بتوانم اثرگذاری بیشتری هم برای آنها قائل بود.

**جلال، بزرگ‌ترین جایزه ادبی داخلی**

جلال آل احمد یکی از مطرح‌ترین جوایز ادبی کشورمان به شمار می‌آید و بیره نیست که آن را در رتبه نخست این رتبه‌بندی بدانیم. اگر در زمره اهالی ادبیات و دوستداران این بخش از فرهنگمان باشیم آوازه برپایی جایزه ادبی جلال در سال‌های نخست برگزاری‌اش را به خاطر دارید. رویدادی ادبی که در ابتدای راه، با در نظر گرفتن ۱۱۰ تک‌سکه بهار آزادی عنوان گران‌ترین جایزه کشورمان را نه تنها در زمینه ادبیات، بلکه در کل عرصه فرهنگ و هنرمان به نام خود ثبت کرد و مبرزانی علاقه‌مندان را در چهار گروه داستان بلند و رمان، مجموعه داستان کوتاه، نقد ادبی و مستندنگاری برعهده گرفت. در نظر گرفتن این ۱۱۰ سکه تمام بهار، تأثیر چندان خوشی برای این جایزه نداشت و حاشیه‌هایی را سبب شد؛ از جمله اینکه برای چندین دوره متوالی هیچ اثری به‌عنوان برگزیده معرفی نشد. با وجود انتشار گلابه‌های مختلف در باب اینکه متولیان جایزه جلال از نگرانی اعطای ۱۱۰ سکه هیچ اثری را برگزیده اعلام نمی‌کنند این روند همچنان ادامه پیدا کرد و طی سال‌های نخست به جز دوره دوم و چهارم، این خوش‌شانسی نصیب هیچ جایزه‌ای نشد. از منظر اتفاقات مهمی که این رویداد ادبی پشت سر گذاشته آن را می‌توان به طور تقریبی به سه دوره تقسیم کرد. مرحله نخست آن شش دوره ابتدایی‌اش را شامل می‌شود؛ سال‌هایی که برپایی آن از سوی خود معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری خانه کتاب به سرانجام رسید. دوره دوم سال‌هایی است که دولت اصلاحات مدیریت فعالیت‌های فرهنگی را به دست داشت و برپایی جایزه جلال به خانه شعر و ادبیات سپرده شد. فصل دوم برگزاری جایزه همزمان با کاهش ۱۱۰ سکه به جایزه‌ای که مسئولان وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آن را معقول تر می‌دانستند همراه شد. یکی از نقدهایی که به جایزه جلال طی سال‌هایی که برخی منتقدان تأکید داشتند که حضور دورانی که طیف فکری نزدیک به جریان روشنفکری سبب شد تا در دوره‌هایی به کتاب‌هایی عنوان برگزیده یا شایسته تقدیر اعطا شود که نوشته‌های آنان با اساننامه جایزه فاصله گرفته و گاه با تفکرات انقلابی در تضاد بوده باشند. با تنام دوره مدیریت این جایزه از سوی جریان اصلاح‌طلب، سکان هدایت آن به دست متولیان فرهنگی در دولت سیزدهم رسیده که آن را آغاز دوره تازه‌ای در چگونگی برپایی این رویداد ادبی دانست.

**«ابوالحسن نجفی»، جایزه‌ای برای****ترجمه‌های برگزیده**

از جایزه جلال که بگذریم شاید بتوان جایزه ابوالحسن نجفی را یکی دیگر از مهم‌ترین رویدادهای رقابتی در عرصه کتاب دانست که از سال ۱۳۸۵ دایر شده و زمان چندانی از برپایی نخستین دوره‌اش نمی‌گذرد. البته تمرکز برگزیدنندگان این رویداد ادبی و همچنان ادبی اساسنامه‌اش تنها به بخش ترجمه است. آنچه‌ان این جایزه هر ساله با هدف تشویق مترجمان برای اعتدای زبان فارسی برگزار می‌شود، عنوان برپایی این رویداد ادبی نیز همچون جایزه جلال به نام یکی از بزرگان عرصه کتاب و ادبیات کشورمان گاه خورده و بخشی از هدف برگزاری‌اش نیز یادداشت یاد ابوالحسن نجفی و یادآوری خدماتش عنوان شده است. این جایزه با هدف تشویق مترجمان به ارائه کارهای اصولی‌تر برگزار می‌شود و سازمان بانی برپایی‌اش نیز مرکز فرهنگی شهر کتاب است. این جایزه به سبب همراهی جمعی از استادان شناخته شده عرصه ترجمه، همچون ضیاء موحّد، حسین مصطفوی همدانی و موسی اسوار نویسنده گاهی جدی برای جلب نظر اهالی کتاب و البته دنبال‌کنندگان حرفه‌ای ادبیات بردار. هرچند که به گفته برخی مترجمان، باوجود عملکرد خوبی که تا به امروز از برگزاری این رویداد فرهنگی شاهد بوده‌ایم حداقل برای دوره‌های بعد انتظار برخی تغییرات در ساختار برگزاری آن وجود دارد، از جمله می‌توان به پیشنهادهایی نظیر در نظر گرفتن چند گروه داوری مجزا برای زبان‌هایی که شاهد ترجمه‌های بیشتری از آنها در کشورمان هستیم، اشاره کرد.

**یک رقابت ادبی برخاسته از مسجدی مردمی**

در میان جوایز عرصه کتاب که به شکل سالانه شاهد برگزاری آنها هستیم، کتاب سال شهید غنی‌پور را می‌توان یکی از انواع مردمی این رویدادهای رقابتی دانست. بنیانگذاری این رویداد فرهنگی به همت زنده‌یاد امیرحسین فردی صورت گرفت. نویسندehای که او را پدر ادبیات انقلاب می‌خوانند، نکته جالب توجه درباره برگزاری این جایزه را می‌توان در آن دانست که از سال ۱۳۷۶ تا به امروز عنوان برگزیده به‌آثاری تعلق می‌گیرد که از سوی شورای نویسندگان مسجد حضرت جوادالائمة(ع) (بررسی و انتخاب شده‌اند. اعضای این شورا از میان نویسندگان و منتقدان ادبی شناخته شده انتخاب شده‌اند. زمان برگزاری اختتامیه این جایزه در مقایسه با جایزه «جلال آل احمد» و همچنین جایزه «ابوالحسن نجفی» نظم بیشتری دارد و اغلب در اسفندماه، همزمان با فرارسیدن سالگرد شهادت شهید حبیب غنی‌پور اسامی برگزیده‌ها اعلام می‌شود.

**جوایز حاشیه‌اند، متن رادریابیم****فروغ زال**

نویسنده و برگزیده بخش روایت جایزه جلال

جایزه جلال در میان جوایز سالانه عرصه کتاب و ادبیات اسم بزرگ و دهان پرکنی دارد. هر چه باشد بزرگ‌ترین رویداد ادبی کشور است اما انگار فقط برای همان یک ساعت شکوه و تجلیل روی سن و اعلام برگزیدگان است! در حالی که از بزرگ‌ترین رویداد ادبی کشور انتظار می‌رود به جای تمرکز بر تشویق، به فکر رشد باشد. تشویقی که در آن

سکون باشد و تصحیح و تکمیلی صورت نگیرد بی‌فایده است. نزدیک به ۳ هزار اثر مورد داوری قرار می‌گیرد بی‌آنکه صاحبان آن آثار از نظرات کارشناسانه بر کتاب‌شان باخبر شوند و یاد بگیرند یا آن را اصلاح کنند. چندین اثر برگزیده می‌شود بی‌آنکه نقاط قوت آنها اعلام شود تا الگو و آموزشی برای دیگران شود. آثاری برگزیده می‌شود و نقد، نظر و تبلیغی برایشان انجام نمی‌شود و این طور است که کار ابتر می‌ماند.

تجربه برگزیده شدن کتاب «جهاد

در قرنطینه» برای من که تازه اول راه نویسنده‌ام و این اولین کتابم بود، حاکی از آن است که جایزه جلال، فقط تا چند روز این کتاب را با مصاحبه و گزارش‌های مطبوعاتی به روی ویتترین خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها ببرد، اما کسی به نقد و نظری بر این کتاب و نویسنده‌اش نپرداخت و رهایش کرد. هیچ اثری بدون نقص نیست و هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند ادعا کند قلمش به قله رسیده است. عمده جوایز ادبی و این رویداد رقابتی اما انگار می‌خواهد

## احمد شاکری، نویسنده و منتقد ادبی در گفت‌وگو با «ایران»:

# سیاست جشنواره‌سازی به تنهایی کارگشا نیست

## جوایز ادبی نیازمند سازگار خودانتقادی هستند



عکس: بهر

**گفت‌وگو****گروه فرهنگی**

Culture@irannewsaper.com

«بررسی نقاظ قوت و ضعف جوایز ادبی نباید تنها به محدوده محدود ادبیات و نهایتاً چند روز بعد از اعلام اسامی آثار برگزیده محدود شوند! با این حال نباید فراموش کرد که جوایز، عصای حضرت موسی نیستند که حکومت در دست گرفته و همه مشکلات ادبیات را با آن حل کند. از هیچ جایزه‌ای، در هیچ کجای دنیا نمی‌توان چنین انتظاری داشت.»

این گفته‌ای است که احمد شاکری بر آن تأکید دارد و معتقد است برای کاربردی‌تر شدن هر چه بیشتر خروجی رویدادی ادبی-رقابتی، بهتر است بعد از فروکش کردن تپوتاب برپایی اختتامیه‌ها نیز سیراغ جوایز رفعت، در گفت‌وگوی امروز فرهنگی شد؛ این نویسنده و منتقد ادبی، نکاتی را درباره‌ی اما و اگرهایی که جایزه جلال پشت‌سر گذاشته است و همچنین مسائل پیش‌روی این جایزه می‌خوانیم؛ صحبت‌هایی که تنها به جایزه جلال محدود نمی‌شود و بخشی از آن را می‌توان به دیگر جوایز ادبی داخلی، اعم از دولتی و خصوصی نیز تعمیم داد.

اواسط زمستان سال قبل شاهد برگزاری اختتامیه دوره دیگری از جایزه ادبی جلال بودیم؛ رویدادی ادبی که امسال پانزده ساله شد، از جهت وقایع و تقریباتی که این رویداد ادبی به خود دیده است، می‌توان سه دوره مختلف را برای آن برشمرد؛ جایزه جلال در دوره دوم که برپایی‌اش به بنیاد شعر و ادبیات داستانی سپرده شد، با بیشترین گلابه‌ها در دولت قبل همراه بود. حالا که چندی است تپوتاب برپایی اختتامیه را پشت‌سر گذاشته‌ایم، دیدگاه خود نسبت به آخرین دوره و همچنین ارزیابی‌تان از چگونگی برگزاری دوره‌های مختلف آن بگویید.

در ابتدا باید از اینکه روزنامه ایران طرح سؤالاتی درباره جایزه جلال را به قول وحوش اعلام اسامی برگزیدگان محدود مدیره است و حالا بعد از گذشت چند ماه شاهد چنین گپ‌وگفتی هستیم، تشکر کنم. امیدوارم چنین نگاهی منظر سایر رسانه‌ها هم باشد و آنان نیز طی سال درباره نقاط قوت و ضعف رویدادهای ادبی بنویسند. بعد از اتمام هر جشنواره‌ای، بهترین فرصت برای پرداخت به وجهه مختلف آن است. نخستین مسأله‌ای که علاقه‌مندم به آن بپردازم نگاهی است که سبب رونق بخشیدن به جشنواره‌ها در دوره اخیر شده است؛ سیاستی که افزون بر حفظ جشنواره‌ها، توجه به برپایی رویدادهای رقابتی تازه‌ای را در کلیت ایران فرهنگی‌مان مدنظر دارد. نکته دیگری که نمی‌توان از آن صرفنظر کرد، وضعیت جشنواره‌های ادبی داخلی و آن چیزی است که موجب راه‌اندازی این جایزه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی شد؛ هم از جهت اهمیت مبالغ اعطایی به برگزیدگان و هم به واسطه جدی بودن متولیان در برگزاری‌اش، اما مسأله مهم دیگری که نیاز به بررسی جدی دارد، کارکرد و موضعی است که جایزه جلال طی دوره‌های گذشته داشته است. اینکه قدرت جریان‌سازی داشته یا نه! اگر بله، تنها به یکی، دو دوره اختصاص داشته است یا آن را می‌توانم یک ویژگی‌عام در همه پانزده دوره دانست.

چگونه فارغ از اینکه چه کسی و چه گروهی این جایزه را برگزار کند، باید رعایت یکسری مؤلفه‌ها را در نظر داشته باشد.

این ضرورت‌ها را تنها برای جایزه جلال برمی‌شماری؟

نه، رعایت یکسری از این شاخص‌ها با در نظر گرفتن قوانین حاکم برای همه رویدادهای ادبی در حیطه داخلی ضروری است و از هیچ جایزه‌ای قابل سلب نیست. حتی فرقی ندارد جایزه جلال از سوی کدام دولت برپا می‌شود. آن چیزی که جایزه جلال در آن تعریف شده و بر اساسش معنا پیدا می‌کند، کلیت

ادبیات است. نظام فرهنگی و ادبی کشورمان باید تدارکی جدی برای حفظ و ارتقای ادبیات‌مان ببیند؛ هر چند اغلب محدود مدیره است و پوشش‌دهی کامل ادبیات را نداند و هر جایزه‌ای کارکردهای محدودی دارد. در وهله نخست باید مشخص شود، از برگزاری جایزه جلال چه انتظاری داریم، از سویی مؤسسان آن را بر مبنای چه اساسنامه و توقعاتی راه انداخته‌اند و چه میزان از توقعات مذکور برآورده شده‌اند. سیاست جشنواره‌سازی، سیاستی نیست که به تنهایی بتواند اولویت‌های ما را در فضای ادبی تأمین کند. اینکه طبق روال همیشه تنها به داوری و معرفی آثار برتر اکتفا شود، کافی نیست!

همان گلابه همیشگی درباره اینکه جوایز داخلی، چه خصوصی و چه دولتی تأثیر چندانی بر بازار نشر ندارند!

بله و این سؤالی است که متولیان رویدادهای ادبی باید از خود پرسند و به دنبال حل آن باشند. خوب نتیجه یک جایزه حداقل باید در یکی، دو بخش دیده شود. جایزه‌ای که نه اهداف انقلاب در آن جای جدی دارد و نه کنافروشی‌های کاری به منتخبان است؛ نویسنده انقلابی بگوشت، صورتی که طی دهها شاهد اهتمامی جدی در این رابطه نبوده‌ایم. جایزه‌ای با این ابعاد برگزاری، می‌تواند تلنگری به کلیت ادبیات بزند و مسئولان را متوجه ضرورت آموزش علاقه‌مندان به ادبیات و داستان‌نویسی سازد، هر چند فضای ادبی ما جدیتی در اصلاح روش‌های اشتباه در پژوهش‌های ادبی ندارد.

تا به امروز جایزه جلال را چقدر

منطبق بر خواسته‌های خود

یافته‌اید؟

انتظارات نسبی است، مطلق نیست و از طرفی نمی‌توان انتظار نامعقولی داشت. جایزه جلال، عصای حضرت موسی نیست که حکومت در دست گرفته و همه مشکلات ادبیات را با آن حل کند. از هیچ جایزه‌ای، در هیچ کجای دنیا نمی‌توان چنین انتظاری داشت. با این حال جوایز باید کارکرد مؤثری داشته باشند. اساسنامه هر جایزه‌ای را مؤسسان آن طرح می‌کنند؛ افرادی که انتظار می‌رود هم درباره گذشته ادبیات، هم زمان حال و هم ضرورت‌ها اطلاعات کافی داشته باشند. به نظر می‌رسد تکرری که جایزه جلال را طراحی کرده

### سیاست جشنواره‌سازی، سیاستی نیست که به تنهایی بتواند اولویت‌های ما را در فضای ادبی تأمین کند.

اینکه طبق روال همیشه تنها به داوری و معرفی آثار برتر ادبیات انجام می‌دهند؛ اتفاقی که نقد رویدادهای رقابتی دولتی و خصوصی وارد است. رویدادهایی از قبیل جایزه جلال باید در تربیت منتقد و نویسنده انقلابی بکوشند، در صورتی که طی دهه‌ها شاهد اهمتمای جدی در این رابطه نبوده‌ایم

در دوره‌ای برگزیده یا شایسته تقدیر شده که مضمون آن با اساننامه جایزه در تضاد بوده است و شایسته نام سازگار خودانتقادی است؛ اتفاقی که در هیچ دوره‌ای از آن رخ ننداده و نیازمند رویه‌ای برای بررسی کاستی‌ها و نقاط قوت سال‌های مختلف برگزاری‌اش است. جشنواره‌ها باید سنجه‌ای برای هر دوره خود داشته باشند، اینکه حضور فلان داور یا نحوه انتخاب درست بوده یا نه؛ باید دید در هر دوره‌ای چه آثاری با چه دقت و بر چه مبنایی انتخاب شده‌اند! تا مواردی از این دست بررسی نشود، نمی‌توان آسیب‌شناسی درستی از برپایی جشنواره داشت. این مسأله هم تنها به جایزه جلال محدود نمی‌شود، اغلب رویدادهای رقابتی فرهنگی-هنری‌مان چنین وضعیتی دارند؛ نه سازگار خودانتقادی و نه تحمل مواجه با دیگرانتقادی دارند! جشنواره و جایزه‌ای که دنبال نقد خودش نیست، حداقل باید راه را برای نقد دیگران باز بگذارد. متولیان این جوایز گمان می‌کنند اگر ایرادات کارشان مشخص شود، دیگر در جمع منتظران قرار نمی‌گیرند. این تفکر اشتباهی است! هیچ رویداد و جایزه‌ای خالی از ایراد و کاستی نیست. درباره همین جایزه جلال اگر دنبال نقد دوره‌های قبل باشیم، با پاسخ‌هایی از این دست روبرو می‌شوید که خیلی هم خوب بوده است و انتقاد شما را روانه چاله تکثر است! می‌کنند. جالب است در تأیید آن هم تأکید می‌کنند که تکثر آزا باید باشد و...

در ارتباط با همین جایزه و با توجه به شرایط فعلی، آن هم بدون در نظر گرفتن شرایط آرمانی، برای ارتقای جایزه جلال چه پیشنهادی می‌دهید؟

مطرح کردن بحث «آرمانی» نگاه کردن می‌تواند، هم یک طرفه نباشد و هم یک لغزشگاه، چراکه هر نقدی را می‌توانند با این گفته رد کنند و بگویند شما اگر کنید که هیچ با بلندپروازی نگاه کنید که هیچ جشنواره و جایزه‌ای به درد نمی‌خورد، اما خوب این طور که نمی‌شود! حتی شنیدیم یک بحث تأکید می‌کنند: جلال جایزه سیاسی و حاکمیتی است، هرچند من چنین نظری ندارم و اتفاقاً معتقدم باید مقابل چنین تفکراتی ایستاد. درست است که جلال از سوی حاکمیت برگزار می‌شود اما اهداف ادبی‌اش دارد. به طور قطع حاکمیت به اثری جزئی نمی‌دهد که پاسدار ارزش‌ها و از سویی ادبیات فارسی و فرهنگ حاکم بر سرزمین‌مان باشد. البته در کنار توجه به چنین مواردی باید بحث تلاش برای ارتقای ادبیات‌مان را هم دنبال کرد. متأسفانه جایزه جلال طی سال‌های گذشته در گبرود اختلاف فدادی را به‌وجود داد. این جایزه و دیگر سرزمین‌مان باشد. البته در کنار

شما چه پیشنهادی دارید؟ یکی از بهترین راهکارها همان بحث خودانتقادی و از آن مهم‌تر تحمل دیگرانتقادی است. نکته مهم دیگر سیاست‌های تک‌ساحتی است که قربانگاه این جایزه و دیگر جشنواره‌ها شده است. در برگزاری این جایزه زحماتی کشیده شده که منکر آن نمی‌شوم اما فاصله گرفتن از جایزه از شعار ضروری است. ما در زمینه جایزه‌های ادبی نیازمند کارگزاران زیربنایی و ویتترین استیم. اثرگذاری بر ادبیات کاری نیست که به کارهای زیربنایی نشان ندهد. جشنواره‌ها بهترین ویتترین برای معرفی کارهای خوب هستند اما واقعیت اینجا است که ادبیات در خلل برگزاری جوایز ساخته نمی‌شود و به برنامه‌ریزی طولانی‌تری نیاز دارد. ما تنها بر مقدمت متمرکز شده‌ایم و گمان می‌کنیم با طراحی چنین ویتترین‌هایی می‌توانیم کار شگفت‌انگیزی انجام دهیم.



این کتاب در بخش ویژه روایت کرونا پانزدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد، به عنوان برگزیده معرفی و از آن تقدیر شد.

فعالیت‌های کارگاه جهادی شهید ابراهیم زاده در جهاد مقابل با شیوع کروناست که به همت انتشارات راه‌یار منتشر شده است.